



20.1001.1.26764830.1405.8.29.1.6

نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال هشتم / شماره بیست و نهم / پاییز ۱۴۰۵

مُروج الذهب و معادن الجواهر مسعودی: پژوهشی در اسناد و منابع تاریخی

نرگس کدخدایی^۱ علی غفرانی^۲

چکیده

ارزیابی تاریخی‌نگاری اسلامی و تحلیل نتایج و دستاوردهای آن نیازمند شناخت دقیق و همه‌جانبه منابع و شیوه‌های گردآوری اطلاعات در آثار مورخان مسلمان است. کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر تألیف علی بن حسین مسعودی، یکی از آثار برجسته در حوزه تاریخی‌نگاری عمومی به شمار می‌آید که تاکنون منابع مورد استناد در آن، به صورت جامع و نظام‌مند مورد بررسی و نقد قرار نگرفته‌اند. این پژوهش، ضمن شناسایی و دسته‌بندی منابع مورد استفاده مسعودی در نگارش اثر خود، در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است: مسعودی در نوشتن مروج الذهب، چه نائیراتی از نویسندگان پیشین پذیرفته و چه نکاتی در این زمینه قابل شناسایی است؟ دسته‌بندی منابع مروج الذهب، چگونه می‌تواند به درک بهتر محتوای تاریخی و جغرافیایی این کتاب کمک کند؟ تحلیل و ارزیابی اعتبار داده‌های تاریخی ارائه‌شده در این اثر، بخش دیگری از این مطالعه را تشکیل می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسعودی در تدوین مروج الذهب از منابع متنوع و متعددی استفاده کرده و با ایجاد پیوندی مستحکم میان تاریخ و جغرافیا و به کارگیری روش‌های میدانی و مشاهده‌ای، توانسته است رویکردی عقلانی و نقادانه در انتقال اطلاعات تاریخی اتخاذ کند. وی علاوه بر جمع‌آوری و ثبت داده‌ها، با نگاه انتقادی و بررسی دقیق آن‌ها، جایگاه برجسته‌ای در میان مورخان پیش و پس از خود کسب کرده است. این ویژگی‌ها موجب می‌شود تا مروج الذهب به عنوان یکی از پیشگامان تاریخی‌نگاری اسلامی شناخته شود که می‌تواند منبع مهمی برای مطالعات بعدی در زمینه نقد و تحلیل تاریخی‌نگاری عمومی باشد.

واژه‌های کلیدی: مسعودی، مروج الذهب، تاریخی‌نگاری اسلامی، تحلیل منابع، تاریخ عمومی.

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

na.kadkhodaie@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

a.ghofrani@basu.ac.ir

Muruj al-Dhahab wa Ma'adin al-Jawhar by Al-Mas'udi: A Study in Historical Documents and Sources

Narges Kadkhodae¹ | Ali Ghofrani²

Abstract

Evaluating Islamic historiography and analyzing its outcomes and achievements require a precise and comprehensive understanding of the sources and methods of information gathering employed by Muslim historians. The validation of historical data contained in these sources is a fundamental necessity that cannot be realized without conducting case studies and applying the historical inductive method. The book Murūj al-Dhahab wa Ma'ādin al-Jawhar by 'Alī ibn Ḥusayn al-Mas'ūdī is considered one of the prominent and valuable works in the field of general Islamic historiography, yet the sources referenced in it have not been thoroughly and systematically examined and critiqued. This study, while identifying and categorizing the various sources al-Mas'ūdī utilized in composing his work, also investigates the author's methods and approaches to information collection. Furthermore, the analysis and evaluation of the credibility of the historical data presented in this text constitute another key aspect of this research. The findings indicate that al-Mas'ūdī drew upon diverse and numerous sources and, by establishing a strong connection between history and geography and employing field and observational methods, adopted a rational and critical approach in conveying historical information. He not only gathered and recorded data but also critically examined and scrutinized it, earning a distinguished position among historians before and after him. These attributes position Murūj al-Dhahab as a pioneering work in Islamic historiography, serving as an important reference for future studies in the critique and analysis of general historiography.

Keywords: Mas'udi, Muruj al-Dhahab, Islamic Historiography, Source Analysis, General History.

1. PhD of history and civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقدمه

مروج الذهب و معادن الجواهر کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی نوشته ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (درگذشت ۳۴۵ قمری)^۱ است. مسعودی نگارش مروج الذهب را، در سال ۳۳۲ ق شروع کرده و در سال ۳۳۶ ق در فسطاط به پایان رساند. این کتاب در دو بخش و ۱۳۲ باب نگاشته شده؛ بخش اول در تاریخ آفرینش تا پیش از بعثت پیامبر و بخش دوم از بعثت پیامبر تا سال ۳۳۶ ق. مسعودی تالیفات متعدد دیگری نیز داشته که تنها نامی از آنها مانده است. نگارش این آثار متنوع و مهارت مسعودی در علوم مختلف، موجب شده تا نگاه وی به حوادث تاریخی فراتر از نگاه صرفاً واقعه‌نگاری باشد؛ چنان‌که در این کتاب می‌توان اطلاعات مهمی درباره شرایط اجتماعی، مردم‌شناسی، ادیان و مذاهب و عقاید و آداب و رسوم مردم سرزمین‌های مختلف یافت. مسعودی هدف خویش از نگارش مروج الذهب را چنین بیان کرده است:

«آنچه مرا به تألیف کتاب در تاریخ جهان و حوادث سلف از سرگذشت پیامبران و شاهان و موطن اقوام وادار کرد، پیروی از رفتاری بود که عالمان داشته‌اند تا از جهان، یادگاری پسندیده و دانشی منظم و کهن به‌جا ماند که مؤلفان کتاب‌ها در این زمینه موفق یا مقصر، مفصل یا مختصرنویس بوده‌اند و دیده‌ایم که حوادث به مرور زمان، فزون می‌شود و با زمانه وقوع می‌یابد و تواند بود که حوادث جالب از هوشمند نهان ماند که هرکس به قسمتی از آن توجه دارد و هر اقلیمی را شگفتی‌هاست که فقط مردم آن دانند.» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۰)

مسعودی با توجه به هدف پیش‌گفته، بر آن شد تا با انجام سفرهای گسترده به سرزمین‌های مختلف، از نزدیک با فرهنگ‌ها، اقوام و تاریخ‌های محلی آشنا شود و با بهره‌گیری از منابع مکتوب و دانش و روایت‌های ساکنان هر منطقه، اطلاعات دقیق‌تری به دست آورد. انگیزه اصلی او از تألیف این اثر، دغدغه شخصی و آرزوی دستیابی به حقیقت تاریخی بود. این رویکرد انتقادی مستقل و هدفمند، اهمیت ویژه‌ای به کتاب او بخشیده و موجب شده تا مروج الذهب به عنوان نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری انتقادی و پژوهش‌محور با رویکردی تحلیلی و مرجعی قابل اعتماد برای مطالعه تاریخ عمومی جهان اسلام در میان کتب تاریخی شناخته شود و سبقت مسعودی در روند تکامل تاریخ‌نگاری اسلامی را نشان دهد.

۱. برخی معتقدند از آنجا که مسعودی در کتاب التنبیه و الاشراف، تاریخ پادشاهی روم را تا سال ۳۴۵ ق آورده، وفات وی احتمالاً پس از این تاریخ بوده است. (مهدوی دامغانی، ۱۳۵۳: ۱۰۰)

با وجود اهمیت و ارزش فراوان مروج الذهب، تاکنون بررسی دقیق و نظام‌مندی از منابع مورد استفاده مسعودی در این اثر به صورت جامع انجام نشده است. از این رو انگیزه اصلی نگارش مقاله حاضر، شناسایی و طبقه‌بندی منابع مورد استفاده در مروج الذهب و تحلیل سازوکار منبع‌یابی، تحلیل داده‌ها، روش‌های گردآوری و اعتبارسنجی اطلاعات مسعودی است.

پیشینه تحقیق

معصومی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به نام «شیوه‌ی تاریخ‌نگاری مروج الذهب و معادن الجواهر مسعودی» به معرفی مسعودی، شرح حال و مذهب او، آثار او در زمینه‌های مختلف و موضوعات مندرج در کتاب مروج الذهب پرداخته و بخش معرفی منابع مسعودی در کتاب مروج الذهب بسیار کوتاه و فقط در حد دو صفحه است؛ اما پژوهش حاضر منابع مسعودی را به طور مفصل و تحلیلی و به صورت موضوع اصلی مقاله، مورد واکاوی قرار داد است. واسعی و سعیدی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به نام «تاریخ به مثابه فرآیند اندیشه در مروج الذهب و التنبیه و الإشراف مسعودی» در حوزه روش تاریخ‌نگاری مسعودی، موضوعات مندرج در کتاب وی از قبیل علوم، جغرافیا، محیط زیست، فرهنگ و اجتماع، و رویه‌های نظری وی بحث کرده‌اند و به منابع مسعودی در کتاب مروج الذهب نپرداخته‌اند؛ لذا موضوع این مقاله با پژوهش حاضر تفاوت اساسی دارد. عسگری (۱۳۷۶) در مقاله‌ای با عنوان «مسعودی و التنبیه و الاشراف» پس از شرح احوال و گزارش آثار مسعودی، کتاب التنبیه و الاشراف را معرفی و نوآوری‌های او در این کتاب را عنوان کرده است. روشن است که موضوع مقاله حاضر، کتاب بزرگتر مسعودی یعنی مروج الذهب است و از این حیث با مقاله فوق‌الذکر تفاوت زیادی دارد. برای شناسایی و بررسی دقیق و جامع منابع مورد استفاده در کتاب مروج الذهب، ضروری است ابتدا چهارچوبی منظم برای دسته‌بندی این منابع تعریف شود. در این راستا، دسته‌بندی منابع نه تنها به فهم بهتر روش‌شناسی مسعودی در گردآوری و تحلیل اطلاعات کمک می‌کند، بلکه امکان نقد و ارزیابی اعتبار هر نوع منبع را فراهم می‌سازد.

۱. انواع منابع مروج الذهب

منابع مورد استفاده مسعودی در این کتاب را می‌توان به منابع مکتوب (اعم از کتب آسمانی، کتاب‌های حدیثی، تاریخی، جغرافیایی و نجومی، فلسفه و منطق و جانورشناسی)، اسناد، منابع شفاهی، منابع باستان‌شناسی، منابع ترسیمی - تصویری و مشاهدات و تجربیات شخصی تقسیم کرد.

این دسته‌بندی از چند جهت جاذب اهمیت است؛ نخست تنوع و گستردگی منابع نشان‌دهنده رویکرد همه‌جانبه و جامع مسعودی در گردآوری داده‌ها است که به او امکان داده تصویر دقیق‌تری از وقایع تاریخی و فرهنگی ارائه کند. دوم، تفکیک منابع بر اساس نوع و ماهیت آن‌ها، امکان تحلیل انتقادی و اعتبارسنجی دقیق‌تر اطلاعات را فراهم آورده؛ زیرا هر دسته از منابع، معیارهای خاصی برای سنجش دقت و اعتبار خود دارند. سوم، این دسته‌بندی ساختاریافته به پژوهشگران و خوانندگان کمک می‌کند تا بهتر درک کنند مسعودی چگونه منابع مختلف را ترکیب کرده و با چه رویکردی به بازخوانی تاریخ پرداخته است.

۱-۱. منابع مکتوب

۱-۱-۱. کتب آسمانی: بخش نخست کتاب مروج الذهب که به تاریخ آفرینش، سرگذشت پیامبران و پیشینه ملت‌های مختلف تا پیش از بعثت پیامبر اسلام اختصاص یافته، از منابعی همچون قرآن، تورات و انجیل بهره گرفته تا نشان‌دهد در تدوین تاریخ، میان تاریخ ادیان و ملت‌ها و تداوم روایت‌های تاریخی پیوند جدی برقرار است. استفاده از تورات و انجیل به عنوان منابع معتبر، مؤید آن است که مسعودی در جستجوی حقیقت تاریخی، به سنت‌های دینی و فرهنگی مختلف احترام گذاشته است. این رویکرد چندوجهی به مسعودی امکان داده تا ضمن ارجاع به متون مقدس، تفاوت‌ها و شباهت‌های روایت‌ها را نیز بررسی کند و به تحلیل انتقادی آن‌ها بپردازد. این مسأله گواه نگرش نقادانه و روش‌مند مسعودی است که درصدد تفکیک حقیقت از روایت‌های تحریف شده برآمده است.

۱-۱-۱-۱. قرآن: قرآن برای مسعودی هم یک منبع دینی مقدس قابل احترام و هم یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی مکتوب است که در تدوین مروج الذهب به آن استناد کرده و جایگاه ویژه‌ای در روایت‌گری او داشت. به‌خصوص در بخش‌هایی که به سرگذشت پیامبران و ملت‌های پیش از اسلام پرداخته است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۸۱ و ۵۸، ۶۱، ۳۸؛ ج ۲: ۳۱، ۲۲، ۱۱؛ ج ۳: ۱۶۱ و ۱۲۸؛ ج ۴: ۳۱۴) او در بیان داستان‌های حضرت یوسف، ایوب، موسی، شعیب، طالوت و داود بارها به آیات قرآن مراجعه کرده است. (مسعودی،

۱۴۰۹، ج ۱: ۶۷-۶۰) این انتخاب نشان می‌دهد که قرآن برای مسعودی منبع اصلی و موثقی بوده و او بر پایه آن، روایت‌های تاریخی خود را سازمان داده است. با این حال، در بخش دوم کتاب که اغلب به زندگی و رویدادهای پیامبر اسلام اختصاص دارد، او به جز آیه‌انذار (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۷۷) به دیگر آیات قرآن استناد نکرده است. این موضوع ممکن است به دو علت باشد: اول اینکه رویدادهای زندگی پیامبر برای هم‌عصران مسعودی، تازه و واضح بود و منابع شفاهی و کتبی فراوانی برای استفاده وجود داشت (نیاز به تکرار نداشت)؛ دوم این‌که مسعودی احتمالاً قصد داشت بیشتر به جنبه‌های تاریخی و اجتماعی این دوره بپردازد نه صرفاً تکرار آیات قرآن

2-1-1-1. تورات: مسعودی در بحث از حضرت نوح، مطالبی از تورات نقل کرده (مسعودی، ۱۴۰۹،

ج ۱: ۵۲) و درباره حضرت موسی و خضر (ع) به ترتیب، عبارات «به گفته اهل تورات و کتاب‌های قدیم» و «به گفته بعضی اهل کتاب» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۶۰) را به کار برده است. با وجود استناد مسعودی به تورات، وی به برخی مطالب مندرج در تورات با دیده تردید و گاه انکار نگریسته است. وی در بخشی از مروج‌الذهب به مناسبت، به پندار سامریان درباره تورات یهودیان اشاره کرده که معتقد بودند توراتی که در دست یهودیان است، تورات حضرت موسی نیست و تحریف شده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۴) وی در بحث مربوط به تعیین عمر جهان نیز گفتار یهودیان را غیرقابل قبول دانسته، زیرا «قرآن تصریح کرده که آنها کلمات را تحریف می‌کنند.» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۶۳)

مسعودی در بحث از پیامبران بنی اسرائیل پس از حضرت موسی، با استفاده از عبارت «اخبار مؤمنان اهل کتاب» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۹) و درباره پادشاهان بنی اسرائیل با ذکر عبارت «در کتب اهل شریعت دیده‌ایم» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۰) به طور غیرمستقیم به منابع خود اشاره کرده و گاه این حکایات را با اطلاعات موجود در کتاب‌های تاریخی از جمله کتاب المبتدأ والسير وهب بن منبه مقایسه کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۹)

3-1-1-1-1. انجیل: مسعودی در بیان سرگذشت حضرت مسیح، ضمن اشاره به انجیل (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۴) و استفاده از اطلاعات پیروان فرقه‌های نصرانی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۸۰-۷۹) تلاش کرد تصویری نسبتاً جامع از نگاه مسیحیان نسبت به این شخصیت دینی ارائه دهد. با این حال،

مسعودی آگاهانه و با وفاداری به چارچوب اعتقادی اسلامی، از نقل اطلاعاتی که در انجیل‌های چهارگانه آمده، اما در قرآن نیامده، خودداری کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۷-۷۶)

مسعودی در کتاب خود به زبور نیز، اشاره کرده (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۶۹) اما نه از بهره‌برداری خود از محتوای آن سخن گفته و نه نشانی از رد یا پذیرش آن ارائه داده است؛ موضوعی که می‌تواند نشانه‌ای از نگاه محدود یا شاید احتیاط‌آمیز او نسبت به استفاده از این منبع خاص تلقی شود. مسعودی با وجود تکیه بر منابع غیرقرآنی، همواره نگاهی گزینشی، نقادانه و همسو با دستگاه فکری اسلامی اتخاذ کرده است.

۱-۲. کتاب‌های حدیثی: مسعودی در مروج الذهب در کنار استفاده از منابع تاریخی و دینی متنوع، در موارد متعددی از سخنان پیامبر اسلام (ص) و سخنان علی بن ابی طالب (ع) و امامان شیعه به‌ویژه امام جعفر صادق (ع) استفاده کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۲۷ و ۴۲۲؛ ج ۱: ۲۹۷-۲۹۳)^۱ این ارجاعات، هم نشان‌دهنده تکیه او بر سنت اسلامی به عنوان پشتوانه‌ای معرفتی و تفسیری در تاریخ‌نگاری و هم نشان‌دهنده آشنایی او با اندیشه امامان شیعی و دیدگاه‌های ایشان در تبیین وقایع تاریخی است. این احادیث هم در تبیین وقایع تاریخی و هم در تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی او نقش داشتند. مسعودی برای دسترسی به این احادیث، از منابع مکتوب معتبر زمان خود از جمله کتاب الْمُجْتَبَى نوشته محمد بن حسن بن دُرید و آثار نحویانی چون ابواسحاق رُجَاجی، ابوعبدالله نَفْطَوَیْه و جعفر بن محمد بن حَمدان مُوصلی بهره برده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۹۷)

در عین حال، مسعودی در موارد بسیاری، احادیث را بدون سند مشخص، نقل کرده است. این رویکرد می‌تواند با شیوه تاریخ‌نگاری آن روزگار موافق باشد که آن احادیث در فضای علمی و اجتماعی زمان او رایج بود یا به محدودیت‌های دسترسی به اسناد کامل حدیثی مرتبط باشد.

۱-۳. کتاب‌های تاریخی: مسعودی در مقدمه کتاب، به برخی منابع تاریخی مورد استفاده خود در نگارش مروج الذهب اشاره کرده که بیشتر این آثار، اکنون موجود نیستند. (شکوری، ۱۳۸۱: ۱۶۹) برخی از مهم‌ترین

۱. در خصوص مذهب مسعودی نک: معصومی، (۱۳۹۹). «شیوه‌ی تاریخ‌نگاری مروج الذهب و معادن الجواهر مسعودی»، نشریه پژوهش نامه تاریخ «سیاست و رسانه»، ش ۹، ص ۱۳ تا ۳۲؛ همچنین شارل پلا Charles Pellat در مقاله «مسعودی» در ویرایش دوم دانشنامه اسلام EI2 شیعی بودن مسعودی را غیرقابل انکار دانسته است.

این کتاب‌ها عبارتند از: آثار وهب بن مُنبّه و ابومخنف لوط بن یحیی عامری (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۵۴) که از کتاب اخبار التّرابیین بَعین الوردّه او نام برده (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۵)، کتاب‌های محمد بن سائب کلبی، هشام بن محمد کلبی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۶۷)، ابوعبیده معمر بن مُثنی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۶)، محمد بن اسحاق (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۸۱)، عُبَید بن شَرِیّه (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۵۱)، ابوالعباس همدانی، حمّاد بن سلّمه (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۸۳)، اصمعی، محمد بن عبدالله عُتبی، علی بن محمد مدائنی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۷۰ و ۳۱۹)، محمد بن سلام جمحی، عُمر بن شُبّه نُمیری، هِیثم بن عَدِیّ طائی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۹۴)، علی بن محمد بن سلیمان نُوفلی نویسنده کتاب الاخبار (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۲۸؛ ج ۳: ۷۹ و ۷۶)، سهل بن هارون، عبدالله بن مُقَفَّع، نصر بن شُمیل، رِیّاشی، عبدالله بن عایشه، ابوعبید قاسم بن سلّام، زرقی انصاری، ابوسائب مخزومی، عیسی بن لُهیعه مصری، عبدالرحمن بن عبدالله بن عبدالحکم مصری، محمد بن یزید مُبرّد (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۷)، احمد بن محمد خُزاعی معروف به خاقانی أنطاکی، محمد بن سلیمان مِنقَری جوهری و ابوجعفر محمد بن ابوالسّری، کتاب الدوله محمد بن هِیثم بن شُبابه خراسانی، الّاغانی اسحاق بن ابراهیم موصلی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۱۶)، کتاب الحِیل و المَکاید فی الحُرُوب جلیل بن هِیثم هَرَتَمی، کتاب الأحواد محمد بن زکریا غَلّابی مصری، التّبیان احمد بن محمد بن خالد بَرَقی کاتب، کتاب ابن وِشاء، اخبار الأمویّین علی بن مُجاهد، کتاب الدوله العباسیه محمد بن صالح بن نطّاح، أخبار ابراهیم بن مهدی یوسف بن ابراهیم، أخبار المُلوک محمد بن حارث ثَعْلَبی که برای فتح بن خاقان نوشته شده، کتاب التّاریخ و فتوح البلدان احمد بن یحیی بلاذری، التّاریخ الجامع لِکَثِیر مِنَ أخبار الفُرس و غیرها مِنَ الأمَم داود بن جَرّاح که جد علی بن عیسی وزیر بود، التّاریخ الجامع لِیُنُونٍ مِنَ الأخبار و الکَوَائن فی الأعصار قَبْلَ الإسلام و بَعْدَهُ از ابوعبدالله محمد بن حسین بن سَوّار معروف به ابن آخت عیسی بن فرخان‌شاه که در نقل حوادث تا سال ۳۲۰ قمری رسیده، کتاب تاریخ قاضی ابوبِشر دُولابی، الکتاب الشریف فی التّاریخ و غیره مِنَ الأخبار از قاضی ابوبکر محمد بن خَلَف بن وَکیع، کتاب السّیر و الأخبار محمد بن خالد هاشمی، المَعارف ابوعبدالله مُسلم بن قُتیبّه دینوری، تاریخ ابوجعفر محمد بن جَریر طَبَری (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۸۱)، که مسعودی آن را بر سایر کتاب‌ها برتری داده، تاریخ ابوعبدالله ابراهیم بن محمد بن عُرفه واسطی ملقب به نَفَطَوَیه، الوُزراء و أخبارهم ابوالحسن علی بن حسن معروف به ابن ماشِطَه که حوادث را تا انتهای دوران خلافت راضی آورده، زَهْرُ الرّیّیع و کتاب الخَراج ابوالفرج قُدّامه بن جعفر کاتب، کتاب

الباهر ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی فقیه، کتاب ابراهیم بن موسی واسطی کاتب درباره اخبار وُزراء، الْمُطَوَّق علی بن فَتَح کاتب درباره سرگذشت چند تن از وزیران مُقْتَدِر، التاریخ عبدالرحمن بن عبدالرزاق جوزجانی سعدی، التاریخ و اخبار الموصل اُبُوذَکَره موصلی، التاریخ فی اخبار العباسیین و غیرهم احمد بن یعقوب مصری، التاریخ فی آخبار الخُلفاء من بنی العباس و غیرهم عبدالله بن حسین سعد کاتب، کتاب فی التاریخ و کتاب الهَرج و الاحداث از محمد بن مَزید بن اَبوالأَزهَر. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۵-۲۱)

مسعودی علاوه بر آثار این مورخان، از کتاب‌های تاریخی دیگری نیز بهره گرفته که در متن کتاب به نام آنها اشاره کرده که برخی از آنها باقی نمانده‌اند. التاریخ القدیم درباره هِنَقِلَس از پادشاهان بابل (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۴۰)، آخبار التَّبایَعه درباره اخبار پادشاهان سَبَا (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۰)، اخبار الفُرس ابو عُبَیْدَه مَعْمَر بن مُثَنَّى (درباره طبقات ملوک قدیم و جدید و اخبار و گفته‌ها و نسب‌های ایشان و شهرها و ولایت‌ها و نه‌رهایی که ساخته‌اند و عنوان هریک از آن شهرک‌ها و خاندان‌های معروف ایران) (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۵۸)، اَلْمَغَازِی وَ السَّیَر ابن هشام (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۶۶)، فُتُوح اَلْأَمْصَار (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۸) و مَغَازِی واقِدِی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۸۲)، کتاب اخبار معروف به مَوَقیعَات احمد بن سعید دمشقی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۲۱)، کتاب المَلَهی درباره اخبار عوام و اخلاق و رسوم و گفتار آنها از ابو عِقال دبیر (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۵)، کتاب الواحِدَه فی مَنَاقِب العرب و مَثَالِیْهَا مُفَرَدَه لَا یُشَارِکُهَا فی‌ها غیره (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۱۱)، رساله سَبیل الفَضائل یعقوب بن اسحق کِنْدِی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۷۶)، کتاب الحَمَاسَه اَبُو تَمَّام (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۸۶)، کتاب ابوبکر صولِی درباره اخبار و اشعار و علوم و مذهب ابُو تَمَّام (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۸۶)، کتاب المَجَالِس ابو عِسی محمد بن هارون (درگذشت: ۲۴۷ قمری)، اخبار المُولَفین فضل بن ابی طاهر (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۵۵)، کتاب ابو عبدالله بن عَبدُوس جَهْشَیاری، که به نوشته مسعودی اخبار مُقْتَدِر را در ضمن هزارها صفحه آورده (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۰۳)، کتاب ابراهیم بن مهدی معروف به ابن شَکَله درباره آغانی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۱۶) و رساله مسعودی به نام کتاب الأَخْبَار که در آن درباره مأمون اطلاعات قابل توجهی داشته (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۱۸) و مکاتبات تدوین شده ابراهیم بن عباس صُولِی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۳) از دیگر آثار تاریخی مسعودی به شمار می‌روند. همچنین وی درباره ماه‌ها و سال‌های سُرِیانی، به نقل مطلب

از تاریخ فرقه ملکائی پرداخته که در کلیسای قَسیان شهر آنطاکیّه آن را دیده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۸۴)

برخی آثار تاریخی مورد استفاده مسعودی در زمینه ادیان، فرق، کلام و مذاهب هستند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب عُیُونُ الْمَسَائِلِ و الْجَوَابَاتِ ابوالقاسم بلخی، الآراء و الدِّیانات حسن بن موسی نُوبختی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۴)، آثار هَیثَم بن عَدی و ابوالحسن مدائنی و ابوالبختری قاضی درباره اخبار و فرقه‌های خَوارج (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۳۸)، آثار جاحِظ در زمینه امامت از جمله کتاب‌های امامه وَلَدُ الْعَبَّاس و کتاب الْعُثْمَانِیَّة در ردّ فضایل علیّ (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۳۷)، کتاب امیرالمؤمنین معاویه بن ابی سفیان فی الْإِنْتِصَار لَهُ مِنْ عَلِی بن ابی طالب رضی الله عنه شیعه الرَّافِضَه درباره امامت مروانیان و مسائل الْعُثْمَانِیَّة که جاحِظ در آن، نوشته‌های پیشین خود در رد علیّ را نقض کرده، اشاره کرد. مسعودی از آثار ابوعیسی وَرَاق (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۰۸) درباره آرا و دیانات و کتاب فی الْإِمَامَه وی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۳)، کتاب‌های حسن بن موسی نوبختی و محمد بن عبدالله إِسْكَافِی (د. ۲۴۰ ق) درباره امامت (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۳۸)، کتاب صراط اسحق بن محمد نَحْعِی که مطالبی درباره ادیان عرب در جاهلیت از آن نقل کرده، کتاب قِسْطاس قِیَاض بن علی بن محمد قِیَاض، اثری از نُهْکِیْنِی در رد کتاب صراط (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۰۷) و کتاب فی الرَّدِّ عَلَی الشُّعُوبِیَّة احمد بن یحیی تَمِیمِی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۵۱)، استفاده کرده است. همچنین انساب قُریش و أَخْبَارُهَا زُبَیْر بن بَكَّار (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۵۱)، الْمَثَالِبِ ابوعَیْیَده مَعْمَر بن مُثَنّی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۴۹) و کتابی از ابوعلی جعفری درباره نسب خاندان ابوطالب (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۶۴) از جمله منابع مسعودی در زمینه نسب شناسی بوده‌اند.

۱-۴. کتاب‌های جغرافیایی و نجومی: مسعودی در بسیاری از صفحات کتاب مروج الذهب به ذکر اطلاعات نجومی مندرج در آثار یونانیان و مسلمانان پرداخته و برخی منابع نجومی خود را نام برده است؛ از جمله این آثار می‌توان به الْمَجِسطی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۲) و الْجغرافیا بَطْلَمِیُّوس (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۰۳)، الْقانون فی النجوم ثاوْن (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۵۲)، آثار یعقوب بن اسحق کِنْدِی، رساله فی الْبَحَار و الْمِیَاه و الْجِبَال احمد بن طَیْب سَرَحِسی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۳۳)، آثار نجومی خوارزمی و ثابت بن قُرّه، آثار حَبَش، ماشاء الله و یزیدی، زیج محمد بن جابر بَتَّانی، کتاب الْفُصُول الثَّلَاثِین محمد بن کثیر فرغانی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۱۶؛ ج ۲: ۲۰۲)، الزَّیج فی النُّجُوم حسین مُنَجِّم (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱:

(۱۰۲)، الرّیج و القصیدة فی هیئة النّجوم و الفلک ابراهیم فزّاری (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۲۲)، المدخل الكبير الى علم النّجوم (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۶۸) و کتاب الألوّف ابو معشر بلخی، المتّخب من کتاب الألوّف ابن مازیار شاگرد ابو معشر بلخی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۵۲) اشاره کرد. وی درباره برخی مسائل نجومی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۰) و نیز درباره کهنات و غیب‌گویی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۵۲) به گفته‌های صابیان حرّانی استناد کرده است. مسعودی از آثار نجومی برای بیان سال، ماه و روز حوادثی مانند پادشاهی بُخت‌نصر (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۵۲) و هرقل (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶۲)، اندازه‌گیری قطر زمین در دوره مأمون (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۰۲)، تعیین محل اصحاب رقیم (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۷)، نحوه محاسبه سال‌ها و ماه‌ها نزد ایرانیان، سریانیان، مصریان و رومیان (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۷۹)، محاسبه طول و عرض دریاها (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۳۶)، تأثیر طلسم (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۱۵) و رد ادعای کیمیاگران درباره تبدیل فلزات کم ارزش به فلزات گران‌بها (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۶۹) بهره گرفته است. وی در بحث از یافتن محل اصحاب کهف و رقیم و سد ذوالقرنین به آثار مسلمانان در زمینه جغرافیا و هیئت از جمله کتاب صورة الارض و ماعلیها من الانبیة المعظّمة و الهیاکل المّشیّدة، آثار محمد بن کثیر فرغانی و احمد بن طیب سرخسی اشاره کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۹-۳۴۸)^۱

استفاده مسعودی از منابع گوناگون نجومی از یونانیان تا دانشمندان مسلمان و حتی صابیان حرّانی، نشان می‌دهد که وی دانش نجوم را نه صرفاً به عنوان دانشی نظری، بلکه به عنوان ابزاری کاربردی در تعیین زمان وقایع تاریخی، مکان‌ها و حتی تحلیل رویدادهای طبیعی و انسانی به کار برده است. مسعودی دانش نجوم را بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ و جغرافیا دانسته و از آن برای افزایش دقت و اعتبار روایت‌های خود بهره جسته است.

۱-۵. کتاب‌های فلسفی حکیمان یونانی: مسعودی در کتاب مروج الذهب، از منابع متعددی از آثار فیلسوفان بزرگ نیز بهره گرفته که نشان‌دهنده توجه ویژه او به علوم فلسفی و منطقی در کنار تاریخ‌نگاری است. او فلسفه و منطق را به عنوان پایه‌های اساسی فهم بهتر جهان و رویدادهای تاریخی به کار گرفت و در نگارش

۱. برای آگاهی بیشتر درباره جایگاه آثار نجومی در مروج الذهب، نک: بهرامی، روح‌الله، (۱۳۸۰ ش). «جایگاه نجوم، تقویم و گاهشماری در اندیشه تاریخ‌نگاری مسعودی»، تاریخ اسلام، ش ۵، ص ۸۱-۹۸.

خود از آموزه‌های فلسفی بهره برد تا به تحلیل‌های دقیق‌تر و عمیق‌تری دست یابد و اعتبار علمی و پژوهشی آثارش را استحکام بخشد.

از جمله این منابع می‌توان به آثار برجسته فیلسوفان یونانی مانند السیاسه المُدنیّه و تیماوس و فادون (یا فاردون) اثر افلاطون (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۵۹) اشاره کرد. همچنین کتاب‌های المنطق و مابعدالطبیعه ارسطاطالیس، شاگرد افلاطون، در آثار مسعودی به چشم می‌خورد. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۱۹) مسعودی به کتاب النفس از صاحب منطق (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۳۶) و شرح کتاب النفس از ثامسطیس، و همچنین مقاله مستقل اسکندر آفرودیزی درباره عقل اول و دوم که توسط حنین بن اسحاق به عربی ترجمه شده نیز استناد کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۳۶) کتاب بزرگ انبازقلس درباره چگونگی ترکیب جهان و پیوستگی نفس به جهان خویش نیز در منابع فلسفی مسعودی جایگاه ویژه‌ای دارد. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۹۸)

۱-۶. کتب جانورشناسی: مسعودی در مروج الذهب، علاوه بر پرداختن به مباحث تاریخی، توجه ویژه‌ای به حوزه جانورشناسی داشته است. او درباره حیواناتی همچون بوزینه، باز، طاووس، زرافه و فیل، اطلاعات گسترده و متنوعی ارائه کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۲۲) در این راستا مسعودی از دیدگاه‌های متفکران و دانشمندان برجسته‌ای بهره برده که نمونه‌هایی از آن‌ها شامل آثار صاحب منطق در کتاب الحیوان (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۴۶)، نظرات ارستجانس در زمینه جانورشناسی و نوشته‌های جالینوس درباره باز شکاری است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۱۱) افزون بر این، او به منابع تخصصی و متنوعی مانند الجلائب و الجلائب عیسی بن لُهیعه مصری درباره مسابقات اسب‌دوانی در دوره جاهلیت و اسلامی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۱۵)، کتاب الخیل ابن دُرید (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۱۵) و الحیوان جاحظ (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۹۴) استناد کرده است.

۱-۷. دیگر منابع مکتوب: علاوه بر این، مسعودی از منابع مکتوب متعددی در حوزه‌های گوناگون علمی بهره برده که دامنه دانش او را فراتر از یک مورخ صرف نشان می‌دهد. از جمله این آثار می‌توان به فردوس الحکمه ابن ربن طبری در زمینه پزشکی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۳۹) و کتاب الفلاحه در موضوع کشاورزی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۴۷) اشاره کرد. همچنین کتاب‌های صُولی و عدلی درباره شطرنج، که مسعودی آنها را به عنوان پیشگامان این موضوع معرفی کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۷) مسعودی در حوزه رد

ادعاهای کیمیاگری نیز به کتاب ابطال دَعَوَى الْمُدَّعِیْنَ صَنَعَهُ الذَّهَبُ و الفِضَّةُ مِنْ غَیْرِ مَعَادِنِهَا اثر یعقوب بن اسحق کندی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۶۹) استناد کرده است. آثار دیگری مانند الْمُؤَفَّقِیَّاتُ زُبَیْرِ بْنِ بَكَّارَ که برای مُؤَفَّقِ عَبَّاسِی تألیف شده بود (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۵۴) و اَرْجُوزَه معروف به ذات الحِلَلِ نوشته ابان بن عبد الحمید (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۹۶) نیز نشان دهنده وسعت مطالعات مسعودی در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی است.

۲-۱. اسناد: مسعودی به علت بی‌ارتباطی با دربارهای خلفا و شاهان و نیز با ساختارهای رسمی و دیوانی، از دسترسی به اسناد اصیل و روزمره‌ای مرتبط با مناسبات اجتماعی، اداری، حقوقی، مالی و مکاتبات شخصی محروم بود. از همین رو، در میان انبوه منابع مورد استفاده مسعودی در مروج الذهب، تنها موردی که می‌توان آن را تا حدی در شمار اسناد به معنای فنی کلمه قرار داد، مجموعه‌ای از نامه‌ها و نصایح اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانی است. این نامه‌ها که خطاب به طبقات مختلف جامعه همچون خواص، رعایا و کارگزاران حکومتی نگاشته شده‌اند، به واسطه منابع میانی به دست مسعودی رسیده و او بخش‌هایی از آن‌ها را در کتاب خود نقل کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۷۲) این نامه‌ها نشان می‌دهند که مسعودی، در حد امکان، در جستجوی منابع اصیل و بی‌واسطه نیز بوده است.

۳-۱. منابع شفاهی: منابع شفاهی، از مهم‌ترین و بارزترین سرچشمه‌های اطلاعات مسعودی در نگارش مروج الذهب به شمار می‌روند. این اطلاعات شفاهی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: نخست، داده‌هایی که از مشایخ و بزرگان علمی و روایی مؤلف به دست آمده‌اند. دوم، مطالبی که از صاحبان مناصب رسمی و غیررسمی، از جمله دبیران، ندیمان، اهل علم و حتی مردم عادی کوچه و بازار نقل شده‌اند. منابع روایی مسعودی، اعم از روایات قبیله‌ای مرتبط با انساب و ایام عرب و نیز روایات تاریخی مربوط به اسلام، در بخش‌های مختلف کتاب به ویژه در بخش تاریخ اسلام، جایگاه قابل توجهی دارند.

مسعودی در مروج الذهب به طور مستقیم از افراد شاخص و معتبری نقل قول کرده؛ چنان‌که دیدارهای او با فقیر بن مسکین در آسوان مصر (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۳۷)، ملاقات با ابوالحسن احمد بن علی بن یحیی معروف به ابن ندیم (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۵۴)، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی، فقیه قبیله جُهیینه (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۷)، و قاضی ابو محمد عبدالله بن احمد بن زید دمشقی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۴۵۵)، و همچنین ابواسحق رُجَاجِی نَحْوِی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۸) از جمله منابع معتبر و مستقیم

اطلاعات او به شمار می‌روند. علاوه بر این، او درباره بندرهای شام از شنیده‌های خود از فردی به نام ابوعُمَیر عدی بن احمد بن عبدالباقی آزدی که در زمان او شیخ ثغور شام و مردی محقق بوده، استفاده کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۳)

بخش عمده‌ای از داده‌های مروج الذهب حاصل شنیده‌ها و گفت‌وگوهای مسعودی با دانشمندان، بازرگانان، ناخداهای سیرافی و عمانی، جنگاوران، کارگران کشتی‌ها و صاحبان مناصب مختلف بوده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۴۶-۱۴۳) حتی اسیران مسلمان در مناطق مسیحی‌نشین نیز از منابع مهم او بوده‌اند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۸) به عنوان نمونه درباره سرزمین چین، اطلاعات خود را از ابوزید سیرافی نقل کرده است (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۶۴) و درباره وجود عنبر در سواحل خلیج فارس نیز از ناخداهای سیرافی و عمانی و بازرگانی که به این جزایر رفت و آمد داشتند، بهره برده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۱) یکی از نقاط قوت رویکرد مسعودی، تکیه او بر شنیده‌ها و گزارش‌های مستقیم از اهالی سرزمین‌هایی است که یا خود به آن‌ها سفر کرده یا از طریق دیگران شنیده است. در واقع مسعودی حتی درباره مناطقی که شخصاً از آن‌ها بازدید نکرده، از گفتار مردمی که در دیگر سرزمین‌ها با آنان برخورد داشته‌اند، بهره برده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۴۸)

مسعودی در موارد بسیاری، با فروتنی علمی و تعهد حرفه‌ای تمام، اعتراف کرده که درباره برخی مسائل یا واژه‌ها، اطلاعات دقیقی ندارد و نتوانسته به پاسخ قطعی برسد؛ مثلاً درباره معنی کلمه «فرعون» از اهالی صعید مصر پرسیده، اما به نتیجه نرسیده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۶) او برخی شنیده‌های خود را به صورت مبهم و با عبارات کلی بیان کرده یا منبع آن‌ها را ذکر نکرده است؛ مثلاً درباره سفر مردی به نام خَشَخاش به اقیانوس اطلس، تنها از «قول مردم اندلس» یاد کرده (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۳۵) و در جای دیگر به شنیده‌های خود از مردم آنطاکیه اشاره کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۵)

مسعودی خود تصریح کرده که شنیده‌هایش عمدتاً از افراد مورد اعتماد اوست. اما به نظر می‌رسد درجه اعتماد او به گفته‌های مختلف یکسان نبوده و وی دیدگاهی منطقی و محتاطانه درباره صحت اطلاعات شفاهی داشته است؛ به طوری که گفته‌های ناخداها و بازرگانان بصره، سیراف و عُمان را «ممکن» دانسته، نه قطعی و واجب. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۱)

۱-۴- منابع ناشناخته، مشاهدات و پرسش‌های شخصی از افراد مطلع: مسعودی در روایت اقوام و ادیان پیش از اسلام، کمتر به ذکر دقیق منابع خود پرداخته است. به نظر می‌رسد این امر ناشی از آن باشد که او، در قیاس با دیگر بخش‌های تاریخی اثرش، اهمیت کمتری برای اطلاعات مربوط به این دوره قائل بوده است. برای نمونه، در بیان آغاز آفرینش و سرگذشت پیامبران پیشین، تنها به عباراتی کلی و غیرمستند همچون «به گفته گروهی از اهل علم و نظر و بحث» یا «به پندار اخباریان» بسنده کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۵۳)

۱-۴-۱ تاریخ چین و هند: مسعودی در بخش مربوط به پادشاهان چین، کمتر به منابع مکتوب یا مشخصی اشاره دارد و اطلاعات ارائه‌شده وی، بیشتر بر پایه روایت‌ها و شنیده‌هایش از افرادی است که خود به چین و پیرامون آن سفر کرده بودند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۵۶) برای مثال از گفت‌وگویی با پیرمردی از اهالی بلخ یاد کرده که بارها به چین سفر کرده بود. او همچنین به اخباری اشاره دارد که از افرادی شنیده بود که از صغد، از مسیر کوه‌های نشادر، به تبت و چین رفته بودند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۷)

با این حال، نشانه‌هایی وجود دارد که حاکی از آن است که برخی گزارش‌های مسعودی درباره چین، مبتنی بر مشاهدات عینی و تجربیات شخصی خود اوست. به‌ویژه توصیف دقیق او از معبدی در چین به‌گونه‌ای است که خواننده را به این نتیجه می‌رساند که نویسنده بنای مورد نظر را از نزدیک دیده و خود به آن سرزمین سفر کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۴۱) این ویژگی، هم ضعف و هم قوت اثر او را نشان می‌دهد؛ از یک‌سو نبود ارجاعات دقیق به منابع، اعتبار علمی روایت‌هایش را کاهش می‌دهد، اما از سوی دیگر، استفاده از مشاهدات میدانی و گفت‌وگو با شاهدان عینی، به روایت او رنگ و بوی واقع‌گرایانه می‌بخشد. چنین سبکی، بازتابی از سنت تاریخ‌نگاری اسلامی در سده‌های نخست است که بیش از اتکا به سند مکتوب، به نقل قول و تجربه زیسته اهمیت می‌داد.

توجه مسعودی به برخی آثار هندیان مانند آرجیهده، سندهند، آرگند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۲) و کتاب *الوزراء السبعة و المعلم و الغلام و امرأه الملیک* از سندهد و نیز کتاب اعظم در شناخت بیماری‌ها و داروها و علاج‌ها که تصویر گیاهان در آن رسم شده بود (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۷)، می‌تواند نشان دهنده دسترسی او به این آثار یا ترجمه آنها باشد. باوجود این، وی در بیشتر موارد اشاره مستقیمی به نام آثار هندی و نویسندگان آنها نکرده، بلکه به ذکر عبارت «به گفته هندوان» بسنده کرده است.

۱-۴-۲- تاریخ ایران پیش از اسلام: مسعودی در بخش مربوط به نسب ایرانیان و سرگذشت پادشاهان آنان، عمدتاً به روایت‌های زرتشتیان استناد کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۴۵) وی بخشی از اطلاعات خود را از «ایرانیان و مطلعان اخبار آنها» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۴۷-۲۴۵)، «دانشوران ایرانی» و «علاقه‌مندان به تاریخ و سرگذشت ایرانیان» گرفته و علت این تأکید بر منابع ایرانی را دقت و مراقبت خاص ایرانیان در بیان تاریخ خود دانسته است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۶۰) مسعودی بخشی از روایات این بخش را از افرادی چون محمد بن هشام گلبی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۵۷) و هشام بن محمد (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۶۱) نقل کرده و سهم قابل توجهی از مطالب خود را نیز از آثار شاعران ایرانی گرفته، هرچند در بیشتر موارد نام شاعران و منابع دقیقشان را ذکر نکرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶۷-۲۶۱)

مسعودی در موارد معدودی به نام برخی منابع ایرانی و مؤلفانشان اشاره کرده است؛ از جمله کتاب سِکِیکین که درباره سرگذشت پادشاهان ایرانی نوشته شده و توسط ابن‌مُقَفَّع از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده و مسعودی از آن یاد کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۴۹) همچنین کتاب فارسی بَنَگَش که آن هم توسط ابن‌مُقَفَّع ترجمه شده و در دسترس مسعودی بوده، یکی دیگر از منابع مهم وی است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۱۷) افزون بر این، مسعودی از کتاب فردی به نام عمر کسری درباره تاریخ فارس و اخبار پادشاهان آن دیار بهره برده و آن را یکی از منابع اصلی ابوعبیده مَعْمَر بن مُثَنّی در نگارش اخبار الفُرس شمرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۵۸ و ۲۴۶)

۱-۴-۳- تاریخ پادشاهان روم و مصر: در زمینه تاریخ پادشاهان روم، مسعودی به منابع متنوعی مراجعه کرده است؛ از قرآن (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۴) و تورات (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۱) گرفته تا «تاریخ الروم» نویسنده‌ای ناشناس، فُتُوح‌الْأَمْصَارِ واقدی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۸) و آثار ابن خردادبه. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۸) با این حال، در این بخش، توجه و استناد او به منابع نامشخص‌تر و گاه شفاهی، مانند گفته‌ها یا نگاهشته‌های «شاعران و علمای قدیم عرب» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۲-۳۴۱)، «تاریخ اهل شریعت و کتاب» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۳)، کتاب‌های عِبْرِی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۱) و منابع ملکانیان (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۹) بیش از سایر موارد است که بیانگر استفاده گسترده و چندوجهی او از منابع مختلف تاریخی و فرهنگی است. در بخش پادشاهان فَرَنَگ، مسعودی به کتابی اشاره دارد که در سال

۳۳۶ ق در فسطاط مصر به دستش رسیده بود؛ این کتاب توسط عرماز، اسقف شهر جریده فرنگ، در سال ۳۲۸ ق به حکم بن عبدالرحمن، فرمانروای وقت اندلس، اهدا شده بود. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۷)

در توصیف مصر و به ویژه علت طغیان رود نیل، مسعودی عمدتاً به گفته‌ها و روایت‌های محلی متکی بوده است؛ عباراتی مانند «به گفته هندیان و رومیان و قبطیان»، «به گفته یکی از حکما»، «از جمعی از مطلعان شنیدم» و «از گروهی از مطلعان قبطیان شنیدم» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۴ به بعد) گواه این رویکرد است. در خصوص منابع مربوط به صقلاییان، فرنگان و جلیقیان اطلاعات چندان دقیقی از جانب او ارائه نشده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۹۳)

۱-۴-۴- بهره برداری مسعودی از شعر: مسعودی گاه در بیان اطلاعات تاریخی از شعر بهره برده و در بسیاری موارد، نام شاعر و مخاطب آن را به وضوح بیان کرده است. به ویژه اشعار شاعرانی مانند اَعَشی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۹۸)، کُمیت (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۵۴)، دَعْبِل بن علی خُزاعی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۹)، بُحْتَری (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۷؛ ج ۳: ۴۸۱؛ ج ۴: ۲۶۳ و ۶)، ابوالعتاهیه (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۰؛ ج ۳: ۴۹۵) و ابن زُبَیر اَسَدی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۳) را در کتاب خود آورده است. با این وجود، گاهی تنها به عبارت‌هایی کلی مانند «يقول الشاعر» بسنده کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۶۵ و ۲۶۱، ۱۲۰؛ ج ۲: ۵۶ و ۳۱؛ ج ۳: ۶۲ و ۳۵؛ ج ۴: ۱۴۰ و ۱۳۴) مضامین شعری مورد استفاده مسعودی، گسترده و متنوع است؛ از جمله مفاخره‌های قبیله‌ای (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: صص ۹۹؛ ۲۶۲)، ضرب‌المثل‌ها (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۱۷؛ ج ۳: ۲۶۹)، بیان احساساتی مانند دلبستگی به وطن (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۹)، مناظره‌های شاعرانی مانند دَعْبِل و کُمیت (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۸۸؛ ج ۳: ۲۳۱)، مدح و هجو پادشاهان، خلفا و امرا (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۸۴؛ ج ۳: ۱۶۶)، مرثیه‌ها (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۴۷ و ۷۸؛ ج ۴: ۶)، تأثیر اجرام آسمانی بر وقایع دنیوی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۴۸)، و نیز اطلاعات جغرافیایی نظیر توصیف شهرها (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۸۲ و ۱۲۰) و توصیف موجودات ماوراءالطبیعه مانند جن. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۰۸)

اکثر شعرهای موجود در مروج الذهب، حامل اطلاعات سودمندی هستند که به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت فراوان دارند. استفاده دقیق و هدفمند او از شعر به عنوان سندی فرهنگی و تاریخی، جایگاه ویژه‌ای به اثرش بخشیده که آن را از دیگر منابع تاریخی زمانه متمایز می‌سازد؛ به‌ویژه آنکه در موارد

متعددی از آن‌ها برای تأیید و استحکام نوشته‌های پیشین خود بهره برده است. نمونه بارز این کاربرد را می‌توان در سروده‌هایی یافت که او در توصیف بقردی (یا باقردی) و بازبدی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۰)، دو منطقه واقع در شرق و غرب دجله (یاقوت، ۱۹۷۵، ج ۱: ۳۲۱)، آورده است. این ترکیب روش‌شناسانه، هم به غنای اطلاعات و هم به تنوع نگاه او می‌افزاید و باعث می‌شود مروج الذهب نه فقط یک اثر تاریخی، بلکه پلی میان فرهنگ‌ها و دانشی متنوع باشد که می‌تواند نیازهای فکری و پژوهشی قرون بعد را نیز پاسخ دهد.

۵-۱. **منابع باستان‌شناسی:** یکی از بارزترین وجوه تمایز مسعودی نسبت به بسیاری از تاریخ‌نگاران پیشین و حتی معاصران خود، بهره‌گیری او از منابع باستان‌شناسی و مشاهده مستقیم آثار تاریخی است که رویکردی نوآورانه و پیشرو در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی به شمار می‌رود و وسعت و عمق آشنایی مسعودی با منابع ملموس تاریخی و فرهنگی را نشان می‌دهد. مسعودی در سفرهای گسترده‌اش، بناهای متعدد و مکان‌های مختلف را از نزدیک دیده و تصویری زنده و مستند، مستدل و قابل اتکا از وضعیت این آثار در عصر خویش ارائه کرده است. برای نمونه شرح او از کلیسای شهر ناصره و تابوت‌های سنگی حاوی استخوان‌های مردگان در آن (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۶)، توصیف کلیسای مریم در آنطاکیه (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۸۳)، نمونه‌هایی گویا از توجه و دقت او به جزئیات باستانی است. وصف آتشکده آذرجوی در دارابگرد و آتشکده‌های استخر و گور (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: صص ۲۴۵-۲۴۳)، و نیز توصیف خانه‌ای در آنطاکیه شام که نزد یونانیان محترم شمرده می‌شد. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۳۲)

از دیگر نکات برجسته در این زمینه، اشاره مسعودی به حفاری‌های انجام‌شده در مصر در سال ۳۲۸ ق، در دوران حکومت محمدبن طُغج اِخْشید (حک: ۳۲۱-۳۳۴ قمری) است که با هدف یافتن دفینه‌ها و گنجینه‌های پنهان در نزدیکی اهرام انجام شد. او ضمن اشاره به این تلاش‌ها، خبر از کشف کتابی به یکی از خطوط باستانی مصر داده که در زمان خودش هنوز کسی قادر به خواندن آن نبود. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۷)

۶-۱. **منابع ترسیمی- تصویری:** مسعودی در نوشتن مطالب تاریخی و جغرافیایی خود در کتاب مروج الذهب، از منابع ترسیمی و تصویری نیز بهره برده است. تصاویر و نقوش مورد استناد مسعودی به عنوان ابزاری برای فهم بهتر جهان پیرامونش، درک عمیق‌تری از فرهنگ، هنر، علوم و حتی جغرافیای دوران وی فراهم می‌آورند و نمودی از نبوغ پژوهشی و تلاش او برای تلفیق دانش‌های مختلف در خدمت تاریخ‌نگاری هستند.

از جمله منابع تصویری مهمی که مسعودی به آن‌ها اشاره کرده، نقشه‌ای از رود نیل است که سرچشمه این رود را در زیر کوه قمر نشان می‌دهد. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۳) نوشته‌ها و نقش و نگارهای آهرام مصر که به خط قدیمی مصریان منقوش شده بودند، از دیگر منابع ترسیمی- تصویری مهم به شمار می‌روند که مسعودی به آن‌ها استناد کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۱) نگاه‌های سریانی موجود بر دروازه انجمن صابیان حَرّان نیز نمونه‌ای از مستندات تصویری و نوشتاری است که در تحلیل‌ها و روایت‌های تاریخی وی نقش داشته‌اند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۳۸)

یکی دیگر از منابع مسعودی، اشاره به تصویر حکاکی شده خسرو پرویز و اسب معروفش به نام شَبْداز بر کوهی در ولایت کرمانشاه (طاق بستان) است. او آن را یکی از تصاویر کم‌نظیر و از عجایب شگفت‌انگیز جهان معرفی کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۰۱) مسعودی از کتاب اعظم در شناخت بیماری‌ها و داروها نیز بهره گرفته؛ کتابی که در آن تصاویر گیاهان رسم شده بود، پس او به منابع تصویری در زمینه پزشکی و درمان نیز دسترسی داشته است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹۷)

۷-۱. **مشاهدات و تجربیات شخصی:** مسعودی در مروج الذهب، از سفرهای گسترده و حضور خود در مناطق مختلفی چون چین، هند، سند، خراسان، آذربایجان، ارمنستان، اران، بیلقان، عراق، شام و مصر یاد کرده (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۹-۱۸) و بخش عمده‌ای از اطلاعات کتاب را بر پایه مشاهدات شخصی قرار داده است. برای نمونه، شرح او از دریای زَنگ یا دریای حَبْشی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۳)، گزارش وقایع سال ۳۰۴ ق در صیموره هند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۳۳)، توصیف شهر گُنَبایه در هند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۳۳)، روایت نحوه برگزاری جشن غطاس^۱ در مصر در سال ۳۳۰ ق (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷۹) و شرح مفصل کلیسای ناصِره (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۶) همگی بازتابی از حضور مستقیم و مطالعات میدانی مؤلف در این مناطق است.

چنین رویکردی، که ترکیبی از مطالعه منابع مکتوب و تحقیقات میدانی است، موجب شده تا مروج الذهب نه تنها یک منبع دست اول تاریخی، بلکه گزارشی جامع و مستند از جغرافیا، فرهنگ و اجتماع عصر خود باشد.

۱. غطاس: از مراسم دینی مسیحیان مصر که در یازدهمین روز از ماه طوبه برگزار می‌شد و نزد ایشان جایگاه والایی داشت. (مقریزی، ۱۴۲۲،

مسعودی با تأکید بر اصالت و امانت در نقل اخبار و وقایع، سطح بالایی از اعتبار علمی و تاریخی را به اثرش بخشیده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۷)

۲. معیارهای مسعودی در استفاده از منابع

۱-۲. استفاده از منابع دست اول: روش تاریخ‌نگاری مسعودی در مروج الذهب روایی نیست، اما وی در موارد متعددی برای اثبات اصالت و اعتبار نگاشته‌های خود، به ذکر سلسله راویان پرداخته و اغلب این سلسله راویان را تا رسیدن به راوی موثق، معتبر و نزدیک به واقعه ادامه داده است. به طور مثال او درباره حمله هارون الرشید (حک: ۱۹۳-۱۷۰ قمری) به قلمرو هِرقل، به نقل قول از ابن دُرَید پرداخته که وی این مطلب را از اَبوالعینا از شبل ترجمان نقل کرده که این فرد اخیر، در هنگام حمله هارون به قلعه هرقل، همراه و شاهد عینی واقعه بود. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶۸) تلاش مسعودی برای کسب اطلاع از شاهدان عینی وقایع، در مواضع متعددی از کتاب به چشم می‌خورد؛ برای مثال در بحث از علاقه منصور عباسی (حک: ۱۵۸-۱۳۶ قمری) به فیل، از دبیر این خلیفه نقل قول کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۳۱) او در بحث از وقایع خلافت هارون الرشید به گفته‌های شاهدان عینی مانند عبدالله بن مالک خُزاعی صاحب شرطه و ناظر قصر هارون، کسای، اَحمر نحوی، اَصمعی، سُفیان بن عُیینَه، اسحق بن ابراهیم موصلی و ابراهیم بن مهدی استناد کرده است. (مسعودی، ج ۳: ۳۸۷-۳۶۶) همچنین مسعودی اخبار مربوط به متوکل (حک: ۲۴۷-۲۳۲ قمری) را از قول افرادی مانند سعید بن نُگیس (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۲) و محمد بن ابی‌عَوْن (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۴۰) ذکر کرده و در باره مُهتَدی (۲۵۶-۲۵۵ قمری) از صالح بن علی هاشمی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۰۳)، درباره مُعْتَضِد (۲۸۹-۲۷۹ قمری) از عبدالله بن حمدون ندیم و محرم و همد خلیفه (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۴۴)، درباره مُسْتَكْفی (حک: ۳۳۴-۳۳۳ قمری) از ابوالحسن علی بن احمد دبیر بغدادی (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۶۲) و ابواسحق ابراهیم بن اسحق معروف به ابن وکیل بغدادی که نزد خلیفه جایگاه والایی داشت، (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۶۵-۲۶۴) مطالبی نقل کرده است.

برخی روایات موجود در این کتاب، با فعل‌های مجهولی مانند «یقال» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۶) و «قیل» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۹؛ ج ۲: ۲۸۶) آمده که در چنین مواردی، مؤلف با آوردن عبارت «الله اعلم»، عدم اعتماد خود بر چنین روایت‌هایی را نشان داده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۲۶ و ۲۹۶؛ ج ۲: ۳۰۵)

۲-۲. نقد و گزینش اطلاعات تاریخی و تحلیل محتوای منابع: مسعودی در بخش‌هایی از مروج الذهب، به این مطلب اشاره کرده که آنچه در آثار دیگران یافته، به همان صورت به کتابش افزوده و اذعان داشته: «در هر قسمت از این کتاب، چیزهایی که در کتاب‌های دیگران یافته‌ایم، یاد می‌کنیم و به همان ترتیب که در کتاب‌های آنها هست می‌آوریم، نه اینکه از صحت آن اطمینان داشته باشیم.» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۰۱)

مسعودی در جای دیگر از کتابش می‌نویسد: «اگر نه این بود که مؤلف، هیمه چین شب است و باید در تألیف خود از هر قسم خبر بیاورد، این اخبار را نقل نمی‌کردم. زیرا اهل علم و بصیرت در قبول اخبار، روش‌های مختلفی دارند.» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۱۵) باوجود این، مسعودی در نقل رویدادهای تاریخی به نقل صرف روایت بسنده نکرده است. وی در بیشتر موارد، روایات مختلف درباره یک واقعه را بیان کرده و پس از مقایسه آنها با یکدیگر، در بیان مباحث تاریخی از مرز دیدن حادثه و نقل آن گذشته است. او ضمن استفاده از عنصر عقل و استدلال برای بیان اطلاعات تاریخی و جغرافیایی، در ورای حوادث، در جستجوی علل و اسباب وقوع آنها بوده و در مواردی نیز به نقد روایات گذشتگان پرداخته است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۷) وی گاه از ذکر برخی مطالب ثبت شده در آثار پیشینیان صرف نظر کرده است. به عنوان نمونه، با ذکر این نکته که غرض از تألیف مروج الذهب، نگارش تاریخ است نه عقاید و فرقه‌ها (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۲)، از ذکر برخی معتقدات ادیان و اقوام مختلف صرف نظر کرده؛ حال آن‌که بخش قابل توجهی از این کتاب، به بیان این اعتقادات اختصاص یافته است. اگرچه این امر در نگاه نخست، نوعی عدم وحدت رویه در تاریخ‌نگاری مسعودی را به ذهن متبادر می‌کند، اما با دقت و بررسی در روایات مندرج در کتاب مروج الذهب، می‌توان دریافت که چشم‌پوشی مسعودی از ذکر برخی اطلاعات، در مواردی است که موضوع مورد نظر، در تضاد با عقل بوده و یا با اصول و اعتقادات اسلامی تعارض داشته است. به طور مثال، او در بحث مربوط به توصیف اژدها، پس از پرداختن به نظرات مختلف پیشینیان، این مطالب را خلاف عقل دانسته است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۴۰) همچنین وی در بخشی از کتاب، به پندار برخی ایرانیان اشاره کرده که بورک را فرزند یکی از هفت بانویی می‌دانستند که بدون مرد فرزند آورده است. مسعودی ضمن بیان مخالفت این امر با عقل و حس و خارق العاده بودن آن، اذعان کرده که خداوند این ویژگی را به عیسی بن مریم (ع) اختصاص داده تا آیات خارق العاده و خلاف محسوس خود را نمودار کند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۶۴)

نمونه شایان توجه از عقل‌گرایی تاریخی مسعودی، گزارش وی از مسکن قوم ثمود است؛ وی هنگام مشاهده مساکن این قوم، با استناد به اندازه خانه‌ها و درها، یادآور می‌شود که آنچه درباره جثه بزرگ این قوم گفته شده، افسانه‌ای بیش نیست. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۴) حذف معتقدات ناروای پیشینیان درباره خانه کعبه (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۲۶)، عدم ذکر باورهای برخی فرقه‌های یهود (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۷۲)، چشم‌پوشی از ذکر اعتقاد مجوسان مبنی بر بنای بیت‌المقدس توسط صَحَّاک (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۳۳) و ذکر ناقص توجیه آتش‌پرستان از پرستش آتش (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۴۲)، نمونه‌هایی از خودداری مسعودی از ذکر روایت‌های متضاد با اعتقادات اسلامی است.

این رویکرد، مسعودی را به یکی از پیشگامان عقل‌گرایی در تاریخ‌نگاری اسلامی تبدیل کرده و نشان‌دهنده تلاشی است که برای تطبیق روایت‌های تاریخی با معیاری فراتر از آنچه صرفاً در منابع آمده، به کار بسته است. چنین نگرشی نه تنها بیانگر پیوند وثیق بین خرد و ایمان است، بلکه موجب می‌شود تاریخ به یک علم زنده و پویا بدل شود که در آن تحلیل، تأمل و تردید، جایگزین پذیرش کورکورانه شود. در واقع مسعودی نشان داده است که تاریخ‌نگاری موفق نه تنها مستلزم دقت در نقل است، بلکه به تفسیر هوشمندانه و سنجش انتقادی متکی است تا به تصویری واقعی‌تر و قابل فهم‌تر از گذشته دست یابد.

وی همچنین در بحث مربوط به مذهب صابیان، اشاره کرده که در آثار بزرگانی نظیر محمدبن زکریا رازی، فقط از مذهب صابیان حَرّانی سخن گفته شده و از صابیان مخالف ایشان که کیماریان هستند، ذکری به میان نیامده است. او علت این امر را چنین ذکر کرده که «مردم توضیح درباره این امر را ناروا می‌شمارند» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۴۰) و از همین رو خود از پرداختن به این موضوع خودداری کرده است. بنابراین می‌توان گفت مسعودی در گزینش روایات، علاوه بر سنجیدن آنها با محک عقل و تطابق با معیارهای اسلامی، اقبال عمومی را نیز در نظر داشته است.

به نظر می‌رسد مسعودی توجه ویژه‌ای به تخصص‌گرایی در علوم داشته و هرگز مرعوب گفته‌ها و نوشته‌های پیشینیان و معاصران خود و یا شهرت یا اعتبار ظاهری افراد نشده؛ گاه به نقد نظرات آنها پرداخته و گاه به سخن پردازی افراد در زمینه‌های غیرتخصصی آنها خرده گرفته و بر ایشان تاخته است. به طور مثال او در بحث مربوط به سرچشمه رود سند با نظر جاحظ، که بحث انشعاب رود سند از رود نیل را مطرح کرده، مخالفت کرده و معتقد بود جاحظ به مناطق مختلف نرفته و به نقل از کتاب‌های وَرّاقان بسنده کرده، پس

کتاب الأمصار و عجایب البلدان او فاقد ارزش و اعتبار علمی است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۱۴) با وجود استناد مسعودی به برخی آثار غیرجغرافیایی جاحظ (مسعودی، ج ۱، ۴۲۲)، نگرش وی به این آثار هم با تردید همراه بوده است. به طور مثال مسعودی درباره صحت گفتار جاحظ در خصوص کرگدن تردید کرده است. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۹۴)

مسعودی با در نظر گرفتن اقبال عمومی در گزینش مطالب، تلاش کرده است تا تعادلی میان حقیقت علمی، باورهای مذهبی و پذیرش اجتماعی ایجاد کند. این رویکرد سبب شده تا مسعودی را بتوان علاوه بر تاریخ‌نگار و جغرافیدان، به نوعی جامعه‌شناس و اندیشمند فرهنگی نیز دانست که می‌کوشید در چارچوب زمانه خود، حقیقت را به روشی مؤثر و قابل پذیرش عرضه کند.

نتیجه‌گیری

مسعودی در کتاب مروج الذهب، توانست اثری جامع و بین‌رشته‌ای خلق کند. او نه تنها به عنوان یک تاریخ‌نگار ماهر، بلکه به عنوان یک دانشمند جامع‌الاطراف، بر متون تاریخی، ادبی، دینی، فلسفی، پزشکی، ریاضی، نجوم، هنر و باستان‌شناسی تسلط داشت و از همه این حوزه‌ها به عنوان منابع تاریخی بهره می‌برد. مسعودی با تحمل سختی‌های سفرهای طولانی به مناطق مختلف، از طریق مشاهده مستقیم، مقایسه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و انجام تحقیقات میدانی و تاریخ شفاهی، توانست تصویری زنده، از جوامع و فرهنگ‌های متنوع عصر خود ارائه دهد. این روش پژوهشی سبب شده تا مروج الذهب به اثری بی‌همتا بدل شود که می‌تواند الگویی ارزشمند برای تاریخ‌نگاران معاصر باشد که در پی نگاهی جامع، دقیق و انسانی به گذشته هستند.

یکی از ویژگی‌های برجسته مسعودی، نگرش تلفیقی او به جغرافیا است؛ او جغرافیا را صرفاً مکانی منفرد نمی‌دید، بلکه آن را عاملی مؤثر بر تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم و حتی روانشناسی جوامع می‌دانست. مسعودی به اسطوره‌ها و باورهای مردمی به مثابه زبان بیان جهان‌بینی و تفکرات جوامع، نگاه انسانی و چندجانبه داشت و با حساسیت به پیچیدگی‌های فکری و دینی زمانه توجه می‌کرد. او به عنوان یک دانشمند مسلمان متدین، ضمن پایبندی به آموزه‌های اسلامی و حفظ استقلال فکری و جسارت علمی، هر روایت تاریخی را با معیار عقل و تجربه سنجید و از قبول مطالب مغایر با قرآن اجتناب کرد. در نگاه اسلام محور مسعودی، ضمن احترام به ادیان و فرهنگ‌های مختلف و جایگاه پیامبران پیشین، متون دینی و تاریخی را تا

جایی معتبر می‌دانست که با قرآن هماهنگ باشند. در عصری که بسیاری علم و دیانت را محدود به روایات حدیثی می‌دانستند، مسعودی همچون ابوریحان بیرونی، مسیر عقلانیت فلسفی را دنبال می‌کرد و آثار حکیمان یونانی را چراغ راه خود می‌ساخت؛ او به اهمیت فلسفه و دانش یونان و روم در پیشرفت تمدن اسلامی توجه ویژه داشت.

لازم به ذکر است که مسعودی به دلیل نداشتن ارتباط با دربار یا سازمان‌های حکومتی، دسترسی به اسناد دولتی نداشت؛ این امر اهمیت و اعتبار تحقیقات میدانی و منابع غیردولتی او را بیشتر نمایان می‌سازد. پژوهشگران معاصر و آینده می‌توانند با تکیه بر این میراث گران‌بها، به گسترش دانش تاریخی و فرهنگی بپردازند و با نگاهی جامع و علمی، به بازخوانی و تحلیل دقیق‌تر گذشته بپردازند. ادامه این مسیر، نه تنها موجب غنای مطالعات تاریخی می‌شود، بلکه می‌تواند به فهم بهتر روابط میان فرهنگ‌ها، جوامع و طبیعت در گذر زمان یاری رساند.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن عماد حنبلی، شهاب‌الدین ابوالفلاح (۱۴۰۶). شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق عبدالقادر ارناؤوط و محمود ارناؤوط، دمشق، دار ابن کثیر.

بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۰) «جایگاه نجوم، تقویم و گاهشماری در اندیشه تاریخ‌نگاری مسعودی»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۵، صص ۹۸-۸۱.

خضر، عبدالعلیم عبدالرحمن (۱۳۸۹). مسلمانان و نگارش تاریخ؛ پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه صادق عبادی، تهران، سمت.

روزنتال، فرانتس، (۱۳۶۵). تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

سالاری‌شادی، علی؛ صفایی، صفی‌الله (۱۳۸۸). «تأثیرپذیری و نقد ابن خلدون از مسعودی»، فصلنامه تاریخ ایران، ش ۶۱/۵، صص ۷۳-۱۰۰.

سواژه، ژان، مدخل تاریخ شرق اسلامی (۱۳۶۶) ترجمه نوش‌آفرین انصاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

شکوری، ابوالفضل (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مسلمانان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۶۴). ملل و نحل، تحقیق محمد بدران، قم، شریف رضی.

- عسگری، علیرضا (۱۳۷۶). مسعودی و التنبيه و الاشراف، فصلنامه مقالات و بررسیها، س ۶۲، ش ۱۱۵۲.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (بی تا). التنبيه و الاشراف، تصحيح عبدالله اسماعيل انصاری، قاهره، دارالصاوی (افست قم، موسسه نشر المنابع الثقافه الإسلامیه).
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره.
- معصومی، عبدالله (۱۳۹۹). «شیوهی تاریخ نگاری مروج الذهب و معادن الجواهر مسعودی»، فصلنامه پژوهش نامه تاریخ، سیاست و رسانه، ش ۹، صص ۳۲-۱۳.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۲). المَواعظ و الاعتبار فی ذکر الخِطَط و الآثار، تصحيح ایمن فؤاد سید، لندن، موسسه الفرقان فی التراث الإسلامی.
- مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۵۳). «ابوالحسن علی بن حسین مسعودی و برخی از آثار او»، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۱۲، صص ۱۱۷-۹۶.
- مهدیخانی سروجهانی، سیدحسن (۱۳۹۲). «نقدی بر گزارش مسعودی از توجه ایرانیان به کعبه در روزگار پیش از اسلام»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، س ۹، ش ۱۷، صص ۵۷-۴۱.
- واسعی، علی رضا، محمدمهدی سعیدی (۱۳۸۹). «تاریخ به مثابه فرآیند اندیشه در مروج الذهب و التنبيه و الاشراف مسعودی»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، س ۷، ش ۱، صص ۹۲-۷۱.
- یاقوت، شهاب الدین ابوعبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت، دار صادر.